

عنوان مقاله: نقش زن عفیف در سلامت معنوی جامعه از دیدگاه قرآن

زهرا سادات میرهاشمی

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه الزهراء(س)

z.mirhashemi@alzahra.ac.ir

چکیده

سلامت معنوی یکی از ابعاد مهم سلامت در انسان است که با ویژگی‌هایی نظیر ارتباط نزدیک با خدا مشخص می‌شود و به برخورداری از آرامش، اخلاق و حس ارتباط متقابل مثبت با یک قدرت برتر قدسی اطلاق شده و مولفه‌هایی مانند فرهنگ و مذهب را شامل می‌شود. از آن‌جا که اندیشمندان خلاء اساسی در عصر کنونی را عدم توجه لازم به گستره معنویت و سلامت روحی و معنوی می‌دانند و از طرف دیگر حفظ عفت و پاکدامنی اصل مهمی در سلامت و سعادت جوامع بشری شمرده می‌شود مقاله حاضر به بررسی نقش زن عفیف در سلامت معنوی جامعه از منظر آیات قرآن با روش مطالعه کتابخانه‌ای پرداخته و با توجه به مفهوم سلامت که در مقابل عیب، مرض و فساد دانسته شده است، به این نتیجه رسیده است که در آیات قرآن، سلامت معنوی جامعه بر محور زن عفیف با عناوینی همچون نقش زن عفیف در تخفیف مرض بیمار دلان، سلامت قلوب، سلامت فکر، سلامت معنوی نسل و اثر عفت ناشی از دواج در سلامت معنوی جامعه قابل طرح بوده و اهمیت نقش زن در این زمینه مورد تاکید و سفارش قرآن قرار گرفته است. با این حال، موضوع رعایت عفت از جانب زنان برای تامین سلامت معنوی جامعه مصادیق متعددی دارد و در آیات متعددی به آن‌ها اشاره شده است و انفکاک و محدودیت در معاشرت‌های میان زن و مرد در اسلام به دلیل حفظ حریم دل و دور نگهداشتن دل از مفساد معنوی بوده و نتیجه آن پایداری سلامت معنوی زن، مرد و جامعه خواهد بود.

کلمات کلیدی: زن، سلامت معنوی، جامعه، قرآن

مقدمه

سلامتی مفهومی عام است که شامل و ادغام‌کننده ابعاد جسمانی، روانی و روحی، اجتماعی و معنوی است. در بیانات علمی و پژوهشی انتقادات به تعریف سازمان جهانی بهداشت از سلامت ارائه شد و ابعاد سه‌گانه فیزیکی، روانی و اجتماعی و بعد معنوی سلامت و نحوه تاثیر آن بر ابعاد دیگر مورد توجه فراوان قرار گرفته است (امیری و همکاران، ۱۳۹۳) تا جایی که اصطلاح سلامت معنوی توسط سازمان بهداشت جهانی به عنوان یکی از ارکان سلامت مطرح گردید. (مصباح: ۲۰۱۳م) از ابعاد یاد شده، سلامت معنوی مفهومی است که اندیشمندان در تعریف آن چالش‌ها و اختلافات بسیاری داشته و مطرح کرده‌اند. برخی اندیشمندان در تبیین مفهوم و بیان مولفه‌های سلامت معنوی، عنصر فرهنگ و مذهب را نیز دخیل و از عناصر و مولفه‌های مهم سلامت معنوی دانسته‌اند. (حاجی اسماعیلی: ۱۳۹۳، ص ۱-۲)

اندیشمندان خلاء اساسی در عصر کنونی را عدم توجه لازم به گستره معنویت و سلامت روحی و معنوی می‌دانند (میرخانی: ۱۳۹۲، ص ۱۴۳) و معتقدند بر همین اساس است که علیرغم پیشرفت در علم و تکنولوژی و به تبع آن سلامت جسمی، خلاء‌های روحی و معنوی گسترش یافته است بر همین اساس است که قرآن کریم در آیه ۲۳ سوره جاثیه می‌فرماید: «افرایت من اتخذ الهه هواه و اضله الله علی علم».

برخلاف نگرش‌های برخاسته از اباحیگری، بسیاری از اندیشمندان علوم انسانی حفظ عفت و پاکدامنی را اصل مهمی در سلامت و سعادت جوامع بشری می‌دانند. قرآن کریم هم که زبان فطرت است، با براهین متعدد در صدد اثبات این اصل در زندگی بشر است و بر مصادیق آن در عرصه‌های مختلف خصوصاً خانوادگی و اجتماعی با محوریت زنان تاکید می‌نماید. برای مثال در آیه ۱۵۹ سوره نساء می‌فرماید: «فالاصلحاح قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله» و یا در آیه ۱۶۰ سوره تحریم آمده

است: «مسلمات مومنات قانتات ثابتات...» که در این دو آیه اشاره به حکمت و آثار حصول این ملکات در سلامت نفس، خانواده و اجتماع می نماید.

از این رو در این مقاله برآنیم به تبیین نقش زن عفیف در سلامت معنوی جامعه از دیدگاه قرآن بپردازیم. به این منظور با توجه به مفهوم سلامت و سلامت معنوی، موضوعاتی را که در آیات قرآن سلامت معنوی جامعه بر محور زن عفیف دانسته شده را بررسی خواهیم نمود.

مفهوم سلامت و سلامت معنوی

با توجه به معنای لغوی سلامت که در مقابل عیب، مرض و فساد دانسته شده است، (عمید: ۱۳۶۹، ص ۷۹۷) سلامت معنوی نیز می تواند در مقابل امراض و مفاسد معنوی دانسته شود.

در حقیقت، سلامت معنوی یکی از ابعاد مهم سلامت در انسان است که ارتباط هماهنگ و یکپارچه ای را بین نیروهای داخلی فراهم کرده و با ویژگی هایی نظیر ارتباط نزدیک با خدا مشخص می شود و انسجام و درستی فرد را تامین می کند. (عباسی و همکاران: ۱۳۹۳) بر همین اساس، سلامت معنوی به برخورداری از آرامش، اخلاق و حس ارتباط متقابل مثبت با یک قدرت حاکم و برتر قدسی اطلاق شده است. (حاجی اسماعیلی: ۱۳۹۳، ص ۴۱)

از طرف دیگر بر اساس حقایق تفسیری عالم توسط دانشمندان علوم انسانی، فلاسفه و عرفا، همچنان که حقایق عالم معقول، در چهره حقایق نازل تر متنا سب با آن ها رخ می نماید؛ قلب صنوبری در وجود انسان، صورت نازل تر قلب روحانی و معنوی است و همان گونه که این قلب در وجود انسان نوعی مرکزیت و محوریت دارد و سلامت از اهمیت ویژه ای برخوردار است، دل و قلب روحانی انسان نیز مایه حیات و سلامت اطوار وجودی او است. بر این اساس سلامت و طهارت دل و قلب را باید یکی از مصادیق مهم سلامت معنوی دانست. از این رو آیاتی که در قرآن به طور مستقیم و واضح به امراض قلب روحانی، بحث طهارت قلوب، سلامت عقل و فکر و غیره پرداخته اند، در حقیقت جلوه هایی از تبیین راهکار برای تامین سلامت معنوی می باشند. بر این مبنا، آیات مرتبط با نقش زنان در تامین سلامت و طهارت روحی و معنوی جامعه در ادامه بررسی خواهند شد.

نقش زن عفیف در تخفیف مرض بیماردلان جامعه

همان طور که تبیین شد، یکی از جلوه های سلامت معنوی، سلامت قلب روحانی است. یکی از مبانی عرفانی در ذیل مفهوم سلامت قلب این است که میان مجردات و مادیات دیوار غیر قابل عبوری وجود ندارد و موجودات و حقایق و پدیده های مجرد با موجودات و پدیده های مادی ارتباط معناداری دارند.

بنابراین، از باب کشش فطری میان قلب زن و مرد (که قرآن کریم با عبارت «و جعل بینکم موده و رحمه» به آن تصریح نموده است)، مراودات و اعمال خارجی زن و مرد، می تواند بر قلب مجرد تاثیر گذار باشد، همچنان که گرایش قلب مجرد و احساس او می تواند بر جسم تاثیر گذار باشد. بر این اساس نوع رفتار و عمل خارجی انسان می تواند تامین کننده یا از بین برنده سلامت و طهارت معنوی جامعه بوده و در نهایت موجب کاهش یا افزایش تعرضات جنسی و آرامش جامعه که یکی از مولفه های سلامت معنوی دانسته شده باشد.

قرآن کریم در آیه ۳۲ سوره احزاب به وضوح نقش زنان را در تخفیف مرض بیماردلان جامعه و سلامت معنوی اجتماع تبیین می نماید، آن جا که می فرماید «ای زنان پیامبر... پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگویند که بیماردلان در شما طمع کنند...». روشن است که این عمل خلاف عفاف زن، نه تنها موجبات عود مرض قلبی بیماردلان را فراهم می کند، بلکه از آن جا که بین روح و جسم و بین مجردات و مادیات دیوار غیر قابل عبوری وجود ندارد با تحریک شهوت جنسی قلبی احتمال آلودگی جنسی جسمی نیز بالا رفته و به طور کل سلامت معنوی جامعه به خطر می افتد. از طرف مقابل یک زن عفیف می تواند با

کنترل اعمال و رفتار و تمام مراودات خویش با مردان که آن چه در آیه آمده است تنها مصداق کوچکی از آن است، نقش کلیدی و موثری در آرامش، طهارت و به بیان کامل تر سلامت معنوی جامعه ایفا کند.

نقش زن عفیف در سلامت قلوب در اجتماع

هدف اسلام از ایجاد برخی محدودیت ها و تحریم ها، احترام به حقایق تکوینی و از بین بردن مفاصد واقعیه ای است که گاهی عقل و علم بشر از آن ها غافل مانده است. انفکاک و محدودیت در معاشرت های میان زن و مرد در اسلام نیز به دلیل حفظ حریم دل و دور نگهداشتن دل از مفاصد معنوی است و در نتیجه آن پایداری سلامت معنوی زن و مرد و جامعه است. خداوند متعال در آیه ۵۳ سوره احزاب پس از بیان این محدودیت ها در حیطة معاشرت زن و مرد و نهایت دقت در آن حتی در رد و بدل کردن اشیا (و اذا سألتموهن متاعا فسألوهن من وراء حجاب) می فرماید: «ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن» یعنی این کار را برای پاکی و سلامت قلوب و دل ها در اجتماع ضروری و لازم می شمارد. این دقت ها در رعایت عفت از جانب زنان برای تامین سلامت معنوی جامعه مصادیق متعددی دارد که در آیات دیگری نیز می توان ذکر مصادیق آن را یافت. برای مثال در آیه ۳۱ سوره نور خداوند متعال به زنان مومن توصیه می فرماید: «زینت خود را آشکار نسازند...» هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت های پنهانشان دانسته شود و صدای خلخال که به پا دارند به گوش رسد».

نقش زن عفیف در سلامت فکری در جامعه

یکی از قوای نفس از دیدگاه فلاسفه، قوه خیال است. (فارابی، ابی تا، ص ۱۸۴، ۱۸۳؛ ملا صدرا، ۱۳۸۳، ص ۴۹، ۵۰) خیال در اصطلاح، به صورت باقیمانده در نفس بعد از غیبت شیء محسوس متعلق به آن، اطلاق می گردد. از نگاه عرفا خداوند از طریق خیال خلق کرده و از طریق خیال شناخته می شود. اما دقیقاً در همین نقطه که انسان می تواند توسط آن عروج کند و از ظلمت طبیعت و شب جسمانی خارج شود، شیطان نیز حاضر می شود و او را در همان وضع موجود نگاه می دارد و یا تنزل می دهد. (حکمت، ۱۳۸۵، ص ۹۵؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ص ۱۷، ۱۸)

خیال، هم در معنای یکی از قوای نفس که مسئولیت ذخیره سازی و تجزیه و ترکیب امور جزئی ادراکی محسوس را به عهده دارد و هم در معنای عالمی موازی این عالم، به طور جدی مورد سوء استفاده شیطان قرار گرفته و انحراف عمیقی در هر دو حیطة معنایی به وجود آمده است. در ست مطابق آن چه در عرفان ابن عربی مشاهده می کنیم، شیطان برای اغواء و اضلال آدمیان دست به کار شده و از ادراکات حسی بیرونی و تصویرگری قوهی خیال از این داده ها، پلی برای سقوط انسان به عالمی نازل تر از عالم صغیر انسانی ساخته است که این سقوط را می توان یک بیماری معنوی تلقی نموده و مقابل آن را سلامت معنوی بر اساس سلامت فکری تبیین نمود.

برخی تصور می کنند انحراف در خیال حداقل در تعلیمات مذهب جایگاهی ندارد. شاید حدیث مشهور نبوی رفع (حر عاملی: ۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۳۶۹) موجب ایجاد چنین شبهه‌ای شده باشد. در این حدیث، پیامبر اکرم، می فرمایند، نه چیز از امت من برداشته شده است که یکی از آن ها «تفکر در وسوسه» است. این عبارت «التفکر فی الوسوسة»، در برخی نسخه ها با قید «فی الخلق» و در برخی نسخه ها با قید «فی الخلو» آمده است. شاید عبارت «الخلوه» که در برخی نسخه ها آمده است، یعنی «تفکر در وسوسه در خلوت» چنین شبهه‌ای را القاء کرده باشد. اما باید بدانیم اکثر متفکرین، مراد از این عبارت در حدیث رفع را، افکار نادرست در ارتباط با نظام آفرینش و خلقت مخلوقات دانسته اند. (مجلسی: ۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۹۱) حداقل می توان گفت به دلیل ذکر احتمالات متعدد در مورد این فراز حدیث، استدلال بر این حدیث برای برداشته شدن حکم حرمت خیال در وسوسه های شیطانی ناقص خواهد بود. علاوه بر این، بر اساس دیدگاه صدرایی مبنی بر اتحاد عاقل و معقول، می توان استدلالی بر شکل گرفتن یک گناه ذهن در رابطه با برای مثال زنای ذهنی ارائه کرد: زیرا، یکی از ملزومات اتحاد مزبور این است که طبق آن، ذهن چیزی نیست جز محتویاتش و واقعیات ادراک شده نیز وجودی مستقل از ذهن ندارند، چرا که نسبت عاقل و معقول، نسبت حال و محل نیست، بلکه علم همواره علم ذهن مدرک است و آن علم قائم به نفس مدرک است. بنابراین ذهن همواره از نحوه‌ای التفات بهره مند است و همواره عالمی از امور ملتفت الیه را با خود به دوش می کشد و نفس انسان، همواره واجد عالم است: یعنی نفس

در مراتب وجود ارتقا می‌یابد و به این طریق واجد متعلق ادراک خود می‌شود. این وضع برای نسبت انسان با عالم خیال هم وجود دارد و خیال انسان همواره واجد صورت خیالی است. (ناظمی قره باغ، صافیان: ۱۳۹۱، ص ۱۰۵، ۱۰۴) حال برای مثال در مورد خیال ارتباط با نا محرم می‌توان گفت، برخلاف دستور صریح قرآن کریم مبنی بر عدم نزدیکی به گناه زنا، فردی که به تخیل ذهنی گناه زنا مبتلا شده است، نه تنها به زنا نزدیک شده بلکه این گناه با ذهن او امتزاج پیدا کرده است و بنابراین این تخیل ذهنی به گناه تبدیل شده است.

با اندکی دقت، متوجه می‌شویم، با رعایت حدود الهی می‌توان از آسیب‌های این انحراف و بیماری بزرگ ذهنی در امان ماند. برخی دستوره‌های فقهی شرعی به طور دقیق برای جلوگیری از انحراف قوه‌ی خیال و سلامت فکری فرد و جامعه طرح ریزی شده‌اند. این توصیه‌ها و دستوره‌های شرعی در دوحیطه‌ی مناسبات فردی و اجتماعی عبارتند از:

الف) غضّ بصر

همان طور که بیان شد، سوژه‌های مورد نیاز برای تصویرگری قوه‌ی خیال از طریق حواس ظاهری جمع‌آوری می‌شود. مهم‌ترین حسّی که در این زمینه فعالیت می‌کند، حسّ بینایی است. به همین دلیل دستور قرآن کریم به غضّ بصر از درمان‌های مهم انحرافات و بیماری‌های ذهنی و فکری است. با دقت در آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی نور که خداوند متعال می‌فرماید: «به مردان مومن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه‌دارند، این برایشان پاکیزه‌تر است، زیرا خدا به آن چه می‌سازند آگاه است» به خصوص از عبارت پایانی آیه که می‌فرماید: «انّ الله خبیر بما یصنعون»، می‌توان به ظرافت دریافت که تعبیر پروردگار از اعمال انسان‌ها به «یصنعون»، می‌تواند اشاره‌ای به ارتباط مستقیم مسأله‌ی نگاه و انحراف قوه‌ی خیال و به آگاهی خداوند به تصویرگری ذهن بشر و آن چه به کمک قوه‌ی خیال می‌سازد باشد؛ زیرا از مهم‌ترین آسیب‌های عدم کنترل حس بینایی و نگاه، فراهم آوردن سوژه‌های متعدد برای فعالیت تخیل منحرف است که نتیجه‌ی آن، چنان چه پیش از این بیان شد، انحراف از مسیر طبیعی ارضای تمایلات جنسی و موجب از بین رفتن حیا و عفاف و در پی آن از بین رفتن سلامت معنوی جامعه خواهد بود. در این زمینه می‌توان به آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی غافر نیز تمسک کرد که می‌فرماید: «او چشم‌هایی را که به خیانت می‌نگرند و آن چه را در سینه نهان می‌دارند، می‌داند» از همین روست که در احکام فقهی حتی نگاه کردن به عکس و فیلم نامحرم، در صورت ترتب مفسده بر آن، مقدمه‌ای ارتکاب گناه دانسته شده و ممنوع و حرام می‌باشد.^۱

ب) عدم تبرّج و ستر زینت

دستور شرعی دیگری که می‌توان آن را در راستای جلوگیری از انحرافات ذهنی و در جهت سلامت فکری تحلیل کرد، دستور خداوند متعال در قرآن کریم به ستر زینت (نور: ۳۱) و عدم تبرّج (نور: ۳۳) است؛ زیرا، آشکار کردن زینت‌ها و جلب توجه کردن در انظار عمومی، نه تنها خوراک فعالیت‌های انحرافی ذهن و قوه‌ی خیال را تأمین خواهد کرد، بلکه زمینه‌ی وسوسه شدن، برانگیخته شدن هوس و تبعیت از آن را که مراحل شکل‌گیری خیال منحرف و فکر نا سالم هستند، فراهم می‌آورد. بنابراین، دستورات الهی به رعایت حجاب از طرف بانوان تأثیر مستقیمی بر سلامت فکری و سلامت معنوی جامعه دارد. باید توجه داشت که حتی سلامت عقل نیز در گرو مهار غرایض و سلامت فکر دانسته شده است.

ج) تقوای الهی

برای در امان ماندن از انحرافات ذهنی و ایجاد زمینه سلامت فکری در مناسبات فردی می‌توان ادعا کرد، انسان با تقوایی که خود را به طور دائم در محضر خداوند متعال ببیند و بداند، براساس آن چه در آیات متعدد قرآن کریم آمده است، خداوند متعال از آن چه او در ذهنش می‌سازد و از قلبش می‌گذراند آگاه است، در خیال خویش نیز تصویر معصیت پروردگار را طرح ریزی نمی‌کند.

نقش زن عفیف در سلامت معنوی نسل

^۱ - برای دیدن نمونه‌ای از این حکم شرعی ر.ک.: خامنه‌ای، سید علی، اجوبه الاستفتائات، تهران، انتشارات الهدی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۰، سوال ۱۱۸۲ - ۱۱۸۸؛ حسینی، سید مجتبی، احکام نگاه و پوشش، مطابق با نظر ده تن از مراجع عظام، [بی جا]، مدیریت امور فرهنگی شهرک های وزارت دفاع، ۱۳۹۰، ص ۵۳.

حفظ نسل یکی از مقاصد مهم شرعی در کنار حفظ نفس، عقل، دین در اسلام شمرده شده است. برخی آیات قرآن که مرتبط با رسالت ارزشی زنان است مانند آیه ۱۵۹ سوره نساء و آیه ۱۶۰ سوره تحریم، مادر و همسر را به عنوان عناصر اصلی و اساسی حفاظت از ارزش‌ها می‌شمارد، آن‌جا که زن را با چنین صفاتی می‌ستاید «فالا صالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله» «مسلمات مومنات قانتات تائبات عابدات سائحات...».

در حقیقت در ابتدا سلامت فکری و معنوی زن مبدا محاسن اخلاقی و عملی شده و سپس با استقرار به صورت ملکات و اوصاف ثابت و با تقویت نیروی تقوا و عفاف، سلامت معنوی نسل را تضمین می‌کند. قید «والذین لفروجهم حافظون» (مومنون: ۵؛ معارج: ۲۹) نیز قید و تکرار بر اهمیت حکمت حفاظت از سلامت معنوی نسل در نظام توحیدی است.

نقش زن عفیف و ازدواج و عفت در سلامت معنوی

ازدواج نیز یکی از مولفه‌های حفظ سلامت معنوی جامعه بر اساس تضمینی برای مسأله عفت است. بر اساس روایت مشهور نبوی «من تزوج فقد احرز ثلثا دینه؛ کسی که ازدواج می‌کند گوئی دو سوم دینش را محقق ساخته است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۹) همچنین روایت شده است که «ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله عز و جل من التزویج؛ هیچ بنایی عزیزتر و مقدس‌تر از خانواده نزد خدای متعال نیست» (نوریک ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۵۳) این تعبیرات مبین تاثیر ازدواج در سلامت ایمان و آسیب‌پذیری بی‌همسران است. حفظ دین در حقیقت از مقوله سلامت معنوی محسوب می‌شود؛ زیرا ازدواج تاثیر غیر قابل انکاری در حفظ عفت عمومی و فردی دارد. پیوند میان ازدواج و عفت از آیه ۳۳ سوره نور نیز به خوبی فهمیده می‌شود زیرا در این آیه آمده است: «کسانی که وسیله ازدواج برایشان فراهم نیست، به عفت سرکنند تا خدا از فضل خویش بی‌نیازشان کند»

نتیجه‌گیری

۱- سلامت معنوی یکی از ابعاد مهم سلامت در انسان است که ارتباط هماهنگ و یکپارچه‌ای را بین نیروهای داخلی فراهم کرده و با ویژگی‌هایی نظیر ارتباط نزدیک با خدا مشخص می‌شود و انسجام و درستی فرد را تأمین می‌کند. بر همین اساس، سلامت معنوی به برخورداری از آرامش، اخلاق و حس ارتباط متقابل مثبت با یک قدرت حاکم و برتر قدسی اطلاق شده است. ۲- برخی اندیشمندان در تبیین مفهوم و بیان مولفه‌های سلامت معنوی، عنصر فرهنگ و مذهب را نیز دخیل و از عناصر و مولفه‌های مهم سلامت معنوی دانسته‌اند.

۳- با توجه به این که اندیشمندان خلاء اساسی در عصر کنونی را عدم توجه لازم به گستره معنویت و سلامت روحی و معنوی می‌دانند و معتقدند بر همین اساس است که علیرغم پیشرفت در علم و تکنولوژی و به تبع آن سلامت جسمی، خلاء‌های روحی و معنوی گسترش یافته است، توجه به این مقوله بسیار حائز اهمیت می‌نماید.

۴- بسیاری از اندیشمندان علوم انسانی حفظ عفت و پاکدامنی را اصل مهمی در سلامت و سعادت جوامع بشری می‌دانند. قرآن کریم هم که زبان فطرت است، با براهین متعدد در صدد اثبات این اصل در زندگی بشر است. برای مثال آیه ۱۵۹ سوره نساء یا آیه ۱۶۰ سوره تحریم اشاره به حکمت و آثار حصول ملکات صفات در زن در سلامت نفس، نسل، خانواده و اجتماع است.

۵- با توجه به مفهوم سلامت و سلامت معنوی که در مقابل عیب، مرض و فساد دانسته شده است موضوعاتی که در آیات قرآن، سلامت معنوی جامعه بر محور زن عفیف دانسته شده و اهمیت نقش زن در این زمینه مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است، عبارتند از: نقش زن عفیف در تخفیف مرض بیمار دلان، سلامت قلوب، سلامت فکر، سلامت معنوی نسل.

۶- بر اساس حقایق تفسیری عالم، همچنان که حقایق عالم معقول، در چهره حقایق نازل تر متناسب با آن‌ها رخ می‌نماید؛ قلب صنوبری در وجود انسان، صورت نازل تر قلب روحانی و معنوی است و همان‌گونه که این قلب در وجود انسان نوعی مرکزیت و محوریت دارد و سلامت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، دل و قلب روحانی انسان نیز مایه حیات و سلامت اطوار

وجودی او است. بر این اساس سلامت و طهارت دل و قلب را باید یکی از مصادیق مهم سلامت معنوی دانست. از این رو آیاتی که در قرآن به طور مستقیم و واضح به امراض قلب روحانی، بحث طهارت قلوب، سلامت عقل و فکر و غیره پرداخته اند، در حقیقت جلوه هایی از تبیین راهکار برای تامین سلامت معنوی می باشند. بر این مبنا، آیات متعددی مرتبط با نقش زنان در تامین سلامت و طهارت روحی و معنوی جامعه تفسیر می شوند.

۷- انفکاک و محدودیت در معاشرت های میان زن و مرد در اسلام به دلیل حفظ حریم دل و دور نگهداشتن دل از مفاسد معنوی است و در نتیجه آن پایداری سلامت معنوی زن و مرد و جامعه است.

۸- موضوع رعایت عفت از جانب زنان برای تامین سلامت معنوی جامعه مصادیق متعددی دارد که در آیات متعددی به آن ها اشاره شده است.

۹- برای در امان ماندن از انحرافات ذهنی و ایجاد زمینه سلامت فکری در مناسبات فردی و اجتماعی می توان ادعا کرد، انسان با تقوایی که خود را به طور دائم در محضر خداوند متعال ببیند و بداند، براساس آنچه در آیات متعدد قرآن کریم آمده است، با غض بصر، عدم تبرج و ستر زینت در جهت سلامت معنوی جامعه قدم بر می دارد.

۱۰- سلامت فکری و معنوی زن عقیف مبدا محاسن اخلاقی و عملی شده و سپس با استقرار به صورت ملکات و او صاف ثابت و با تقویت نیروی تقوا و عفاف، سلامت معنوی نسل را تضمین می کند

۱۱- ازدواج نیز یکی از مولفه های حفظ سلامت معنوی جامعه بر اساس تضمینی برای مساله عفت است.

مراجع

-قرآن کریم.

-امیری، پریسا؛ عباسی، محمود و دیگران «طراحی و روانسنجی پرسشنامه جامع سنجش سلامت معنوی در جامعه ایرانی»، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال هشتم، شماره ۳۰، ص ۵۵-۲۵.

-حاجی اسماعیلی، محمد رضا؛ عباسی، محمود و دیگران، «تبیین مفهوم سلامت معنوی: یک مطالعه هیبرید»، فصلنامه تاریخ پزشکی، سال ششم، شماره ۲۱، زمستان، ۱۳۹۳.

-حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البیت [۱۴۰۹ق]، چاپ اول، ج ۱۵.

- حسینی، سید مجتبی، احکام نگاه و پوشش، مطابق با نظر ده تن از مراجع عظام، [ابی جا]، مدیریت امور فرهنگی شهرک های وزارت دفاع، ۱۳۹۰.

-حکمت، نصرالله، متا فیزیک خیال در گلشن راز شبستری، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵، چاپ اول.

-خامنه ای، سید علی، اجوبه الاستفتائات، تهران، انتشارات الهدی، ۱۳۸۱.

-عباسی، محمود؛ شمسی گو شکی، احسان؛ موحدی، هدیه؛ صفاری، صبا. «سلامت معنوی در مراقبت های نگهدارنده پایان حیات در نظام سلامت» فصلنامه اخلاق پزشکی، سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۱۳۱-۹۷.

-عمید، حسن. فرهنگ عمید. انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.

-فارابی، ابونصر. اندیشه های اهل مدینه فاضله. ترجمه و شرح سید جعفر سجادی [ابی جا]، انتشارات شورای عالی فرهنگ و هنر، [ابی تا].

-کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب. کافی. دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷.

-مجلسی، محمد تقی، لوامع صاحبقرانی (مشهور به شرح فقیه)، قم: موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ق، چاپ دوم، ج ۱.

-ملاصدرا، شیرازی، صدر الدین محمد. اسفار اربعه. ترجمه محمد خواجهی، ج ۲، تهران، انتشارات مولی، چاپ دوم، ۱۳۸۳.

-موسوی خمینی، سید روح الله، شرح چهل حدیث، [ابی جا]: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶، چاپ دهم.

-میرخانی، عزت السادات، «جهانی سازی، حق عفت جنسی، بازیابی هویت انسانی»، مجموعه مقالات علمی تخصصی حقوق و تکالیف زن مسلمان، سازمان بسیج جامعه زنان کشور، ۱۳۹۲.

-ناظمی قره باغ، مهدی؛ صافیان، محمد جواد، «امکان طرح عالم خیال بنابر تلقی ملاصدرا در پدیدار شناسی هرمنوتیک هنر»، فصل نامه معرفت فلسفی، سال نهم، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۳۶.
-نوری طبرسی، میرزا حسین. مستدرک الوسائل، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۸.

Mesbah, M. (۲۰۱۳). *Islamic Approach to Spiritual Health*. Nashrehoghooghi Publication, ۱th edition, ۴۷.